

نقش ثقات اصحاب امام صادق علیه السلام در حفظ و ترویج معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام

مطالعه موردی داوود بن سرحان، ذریح محاربی و زید شحام

سعید طاوسی مسرور^۱ / محمدامین شهبازی^۲ / محمد مهدی عابدینی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳

10.22034/shistu.2026.2083225.2581

چکیده

دوران امامت امام صادق علیه السلام به دلیل تقارن با انتقال قدرت از امویان به عباسیان و ظهور جریان‌های انحرافی نظیر غلات و مکاتب فقهی رقیب، یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ تشیع است. در این بستر متلاطم تاریخی، مسأله اصلی چگونگی صیانت از مرزهای اعتقادی و جلوگیری از تحریف آموزه‌های دینی بوده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مکانیسم دفاعی مکتب جعفری و آشکارسازی نقش راهبردی نخبگان مورد اعتماد امام، به بررسی کارکرد «ثقات اصحاب» می‌پردازد. این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و تمرکز بر مطالعه موردی سه شخصیت محوری شامل «داوود بن سرحان»، «ذریح محاربی» و «زید شحام»، عملکرد آنان را در مواجهه با بحران‌های سه‌گانه سیاسی، فقهی و کلامی واکاوی کرده است. این اصحاب با درک عمیق از شرایط زمانه و تقسیم کاری نظام‌مند، ارکان حفظ مکتب را استوار ساختند. در این راستا، «داوود بن سرحان» با اهتمام به تدوین اصول مکتوب، مانع استحاله فقه شیعه در روش‌های استنباطی رقیب (مانند قیاس) شد؛ «ذریح محاربی» با تکیه بر شاخصه رازداری و صدق، خط مقدم مبارزه با جریان تحریف‌گر غالیان را مدیریت نمود؛ و «زید شحام» با ترویج زیست اخلاقی و نقش واسطه‌ای او بین شیعیان کوفه و امام علیه السلام و این که کوفیان از طریق امثال او به روایات امام علیه السلام دسترسی پیدا می‌کردند، انسجام اجتماعی جامعه شیعه را در عصر اختناق منصور دوانیقی حفظ کرد. نتیجه آنکه ثقات اصحاب، به عنوان حلقه‌های واسط و دژهای مستحکم (حصون)، گذار تشیع از فرهنگ شفاهی به دوران تثبیت مکتوب را مدیریت کرده و عبور سلامت آن از این پیچ تاریخی را تضمین نمودند.

کلیدواژه‌ها: امام صادق علیه السلام، اصحاب ثقه، داوود بن سرحان، ذریح محاربی، زید شحام، مکتب جعفری، غالیان.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام / saeed.tavoosi@atu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام / shahbazi.ir79@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام

۱. مقدمه و تعریف موضوع

سده‌های نخستین هجری، به‌ویژه دوران امامت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام، مقطعی سرنوشت‌ساز و نقطه عطفی در تاریخ تشیع امامیه محسوب می‌شود. چون در این برهه زمانی، «شیعیان اعتقادی» نسبت به قبل به طور چشمگیری افزایش یافتند، «تشیع اعتقادی» که در نسبت «تشیع سیاسی» و «تشیع عاطفی» در اقلیت بود به صورت یک نظام منسجم فقهی و کلامی و ... بروز و ظهور یافت. در این نظام نوین، اعضای جامعه شیعه برای دریافت ریزترین جزئیات شریعت، ملزم به پیروی از نظرات دانشمندترین فرد خاندان پیامبر در آن زمان بودند.

با این حال، بروز تدریجی مبانی به فراخور حال بدنه شیعه، مسیری هموار و بی‌خطر نبود. جامعه شیعه در این ادوار با بحران‌های پیچیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کرد؛ از یک سو فشارهای سیاسی و امنیتی حکومت‌های اموی و عباسی سایه افکننده بود و از سوی دیگر، بحران‌های داخلی ناشی از «غلو»، «انشعابات فرقه‌ای» و «ادعاهای دروغین» کیان این مکتب نوپا را تهدید می‌کرد. در فضایی که دسترسی مستقیم به امام برای همگان میسر نبود و بازار جعل حدیث و نسبت‌های ناروا به ائمه داغ شده بود، صرف «روایت کردن» کافی نبود، بلکه «وثاقت راوی» و «سلامت عقیده» اهمیتی حیاتی می‌یافت. در چنین شرایطی که جریان‌های انحرافی با تأویلات باطل و اباحه‌گری سعی در تهی کردن دین از شریعت داشتند، گروهی از اصحاب خاص و مورد اعتماد ائمه علیهم السلام که در لسان روایات و منابع رجالی به «ثقات» مشهورند، به عنوان «حصنی» در برابر انحرافات قد علم کردند.

۲. بیان مسئله

دوران امامت امام صادق علیه السلام اگرچه با گشایش نسبی فضای سیاسی و فوران علمی همراه بود، اما گسترش دایره شاگردان و راویان، چالشی بزرگ تحت عنوان «تشتت روایی» و «اختلاط سره و ناسره» را پدید آورد. هر گروه و جریانی می‌کوشید تا مشروعیت پندارها و باورهای خود را با استناد به کلام امام علیه السلام تثبیت کند. در شرایطی که انواع راویان با گرایش‌های مختلف کلامی، فقهی و سیاسی، روایاتی را به امام نسبت می‌دادند، تشخیص «خط اصیل» برای عموم پیروان دشوار می‌نمود.

این دشواری در تشخیص، ریشه در یک بحران عمیق‌تر «معرفت‌شناختی» (Epistemological Crisis) داشت که جهان اسلام در سده دوم با آن دست‌به‌گریبان بود. در این دوره، با فاصله گرفتن از عصر نبوت و پیدایش مسائل مستحدثه، دو رویکرد کلان در استنباط احکام شکل گرفت:

الف) رویکرد اصحاب حدیث: که بر ظواهر نصوص جمود داشتند. از دیگر ویژگی‌های اصحاب حدیث این است که آن‌ها در هر مسأله‌ای به صورت افراطی دنبال حدیث بودند و خودشان را از دیگر منابع (مثل عقل) محروم می‌کردند. برای نمونه احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ه.ق) به عنوان نماینده جریان اصحاب حدیث، بیش از همه بر پیروی از حدیث و ترک قیاس و رأی - جز در موارد ضرورت - پای می‌فشرد.

ب) رویکرد اصحاب رأی (مکتب کوفه): که برای جبران کمبود نصوص، به عقل ظنی، قیاس و استحسان روی آوردند.

خطر اصلی برای جامعه شیعه این بود که در فقدان حضور آشکار امام، شیعیان کوفه ناخودآگاه تحت تأثیر پارادایم غالب محیط خود (عقل‌گرایی افراطی اصحاب رأی) قرار گیرند و فقه مبتنی بر «تعبد و نص» را رها کنند. از سوی دیگر، جریان‌های اخباری‌گری سطحی نیز وجود داشتند که هر شنیده‌ای را باور می‌کردند. در این میان، مکتب جعفری می‌بایست راه سومی را ترسیم می‌کرد که هم بر «نص» (به عنوان منبع اصلی) تکیه داشته باشد و هم از «عقل قطعی» (و نه ظنی) بهره ببرد.

مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش کلیدی است: در این آشفته‌بازار که هر کس مدعی اتصال به «سرچشمه علم» بود و امام علیه السلام نیز بنا بر مصالحی (همچون تقیه) اقدام به تألیف کتابی جامع نکردند، میراث واقعی و «خط اصلی» مکتب اهل بیت علیهم السلام چگونه از تحریف مصون ماند؟

۳. پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده در حوزه اصحاب ائمه علیهم السلام، چه در زبان فارسی و چه در پژوهش‌های خاورشناسان (انگلیسی)، غالباً در دو دسته کلی جای می‌گیرند:

الف) مطالعات رجالی و تراجم‌نگاری: این دسته از پژوهش‌ها عمدتاً به بررسی شرح‌حال، تاریخ تولد و وفات، و طبقه‌روایی اصحاب پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل «کارکرد گفتمانی» آنان در برابر جریان‌های رقیب توجه کرده‌اند.

ب) مطالعات کلی تاریخ تشیع: در آثار پژوهشگران غربی و داخلی، به تکامل مکتب کوفه و تقابل‌های کلامی اشاره شده است، اما تمرکز بر نقش «شبکه‌سازی نخبگانی» اصحاب خاص به عنوان یک استراتژی مدیریتی از سوی امام، کمتر مورد واکاوی دقیق قرار گرفته است.

بسیاری از پژوهش‌ها به اصحاب به صورت انفرادی نگرسته‌اند، اما تحلیل هم‌زمان عملکرد حلقه‌ای از ثقات که مسئولیت پر کردن خلأ ناشی از عدم نگارش کتاب توسط امام را بر عهده داشتند، همچنان نیازمند واکاوی است.

برای نمونه:

۱. مقاله «خدمات علمی جابر بن یزید جعفی به اسلام و شیعه، محمود کریمی و سعید طاووسی مسرور، ۱۳۸۸» به مطالعه موردی نقش ابو محمد جابر بن یزید جعفی کوفی (حدود ۱۲۸-۵۰ ق) که از تابعان و از اصحاب نامدار و مورد وثوق امام باقر و امام صادق علیهما السلام است می‌پردازد و خدمات علمی وی در حوزه شاخه‌های تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه و کلام را بیان می‌کند.

۲. مقاله «داود رقی و سهم او در ترویج علوم و معارف شیعی، محمود کریمی و سعید طاووسی مسرور، ۱۳۹۲» به صورت انفرادی و موردی به فعالیت‌های علمی داود رقی در حوزه‌های تفسیر، حدیث، کلام، و فقه پرداخته و آثار منسوب به وی را نیز معرفی کرده است.

۴. اهمیت و جنبه نوآوری پژوهش

اهمیت این پژوهش در تغییر زاویه دید از «توصیف شخصیت» به «تحلیل عملکرد» است. این نوشتار بر آن است تا با تمرکز بر سه شخصیت برجسته و استوانه علمی، یعنی «داوود بن سرحان»، «ذریح محاربی» و «یزید شحام»، نقش این حلقه اتصال را در عبور دادن تشیع از گذرگاه‌های پرخطر انحراف بازکاوی کند.

دلیل جدید بودن و نوآوری این تحقیق در تبیین موارد زیر است:

تمرکز بر «نقش ویژه‌ها»: نشان دادن اینکه چگونه این سه تن با تکیه بر «وثاقت علمی» و «تبعیت محض»، به ترویج و تبیین آموزه‌های امام علیه السلام می‌پرداختند.

پاسخ به بحران معرفت‌شناختی: تبیین نحوه عملکرد این اصحاب در ارائه منظومه‌ای منسجم که نشان دهد «پاسخ تمام نیازها در کتاب و سنت وجود دارد» و بدین ترتیب، بطلان نیاز به قیاس‌های ظنی را اثبات کنند.

تحلیل کارکردی در برابر غلو: بررسی اینکه چگونه شخصیت‌هایی چون داوود بن سرحان با تدوین جزئیات دقیق شریعت (کفایت نصوص)، عملاً راه را بر تأویلات باطنی غلات بستند.

بنابراین، این تحقیق به دنبال تبیین این نکته است که چگونه این شخصیت‌ها توانستند به عنوان «معیار» (Standard) عمل کرده و با فعالیت‌های علمی خود (تألیف اصول، تربیت شاگرد و نقل روایات)، مرزهای مکتب اصیل را از جریان‌های موازی و انحرافی متمایز سازند.

۵. شخصیت‌شناسی و اعتبارسنجی رجالی (اثبات وثاقت)

۱-۵. داوود بن سرحان؛ استوانه فقاہت و حلقه اتصال تراث

نخستین شخصیت مورد مطالعه در این پژوهش، داوود بن سرحان کوفی است؛ محدثی که بررسی داده‌های رجالی و حدیثی، او را به عنوان یکی از ارکان حفظ و انتقال میراث فقهی شیعه در عصر صادقین علیهم السلام معرفی می‌کند. اهمیت وی نه تنها در کثرت روایات، بلکه در اتقان علمی و جایگاه ویژه‌ای است که نزد جامعه شیعه داشته است.

الف) شناخت‌نامه و طبقه رجالی داوود بن سرحان، شخصیتی با اصالت کوفی و از موالی است که در مجامع روایی و کتب رجال غالباً با لقب حرفه‌ای «عطار» شناخته می‌شود (برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۳۲؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۲). وی از حیث طبقه راویان، توفیق درک محضر دو امام معصوم، یعنی امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام را داشته و از اصحاب ایشان محسوب می‌گردد (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۲).

در خصوص طبقه روایی او، گرچه برخی منابع متأخر همچون قاضی نعمان مغربی، وی را در شمار راویان امام باقر علیه السلام نیز قلمداد کرده‌اند (مغربی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴)، اما واکاوی‌های دقیق رجالی و سندی این انتساب را تأیید نمی‌کند و نام وی در اصول کهن رجالی در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام ثبت نشده است. تحلیل‌های درون‌متنی حدیثی نیز بر عدم صحت این ادعا دلالت دارد؛ چنانکه بازخوانی روایت موجود در تفسیر فرات کوفی (که احتمالاً مستند ادعای مغربی بوده است) نشان می‌دهد که سیاق سند و متن روایت مذکور، در اصل صادر شده از امام صادق علیه السلام است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۹۳-۴۹۴).

ب) جایگاه وثاقت و اعتبارسنجی در اعتبارسنجی داوود بن سرحان، با اجماعی قاطع در میان دانشمندان علم رجال مواجهیم. نجاشی، فهرست‌نگار دقیق شیعه، بدون هیچ‌گونه تردیدی او را با صفت «ثقه» توصیف نموده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۹).

این توثیق صریح، توسط سایر استوانه‌های این فن نیز مورد تأکید قرار گرفته است (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۳؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۴۴) در اعصار متأخر نیز محدث نوری ضمن تأیید وثاقت، از وی با تعبیر «جلیل» یاد کرده که نشانگر علو مرتبه و شأن والای اوست (نوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۸۷).

علاوه بر وثاقت خود داوود بن سرحان، بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که طریق شیخ صدوق در «کتاب من لا یحضره الفقیه» و طرق شیخ طوسی در دو کتاب «تهذیب» و «استبصار» به داوود بن سرحان، همگی صحیح و معتبر هستند. (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۰؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۲۹ و ۳۶۷)

ج) تدوین میراث مکتوب (صاحب اصل) داوود بن سرحان فراتر از یک ناقل شفاهی، به عنوان یکی از مؤلفان و صاحبان «اصل» و «کتاب» در تاریخ حدیث شیعه شناخته می‌شود. اهمیت این «اصل‌نویسی» در ثبت و مکتوب‌سازی روایات اهل‌بیت علیهم السلام آشکار می‌شود که با مکتوب‌سازی روایات اهل‌بیت علیهم السلام در این اصل‌ها معارف اهل‌بیت علیهم السلام را از خطر نسیان، تحریف و دست‌برد حوادث زمانه نجات دادند. این مکتوبات، سنگ‌بنای هویت مستقل شیعه را در برابر جریان‌های فکری عصر خود بنا نهاد.

اقدام داوود و همفکرانش در مکتوب‌سازی، حرکتی خلاف آمدِ عادت و در راستای ماناپذیری میراث شیعه در برابر فراموشی و تحریف بود. این ویژگی نشان‌دهنده اهتمام وی به ثبت دقیق و مکتوب‌سازی علوم اهل بیت علیهم السلام در عصر حضور است. نجاشی طریق دسترسی خود به کتاب او را از طریق علی بن حسن طاطری گزارش کرده است. شیخ طوسی نیز دو طریق برای روایت کتاب او معرفی می‌نماید که طریق نخست (شامل احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و ابن ابی نجران) از نظر رجالی صحیح و معتبر است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۶؛ خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۱۰).

رواج و اعتبار کتاب داوود بن سرحان در محافل علمی شیعه چنان بوده است که سال‌ها بعد نیز تدریس و قرائت می‌شده است؛ چنانکه ابوغالب زراری در گزارشی تاریخی بیان می‌کند که کتاب داوود بن سرحان را از جدش ابوطاهر سماع کرده و نسخه ای از کتاب که او از جدش سماع کرده را عبدالله بن محمد بن خالد در سال ۲۲۷ هجری قمری در بغداد نزد عبدالرحمان بن ابی نجران قرائت کرده بوده و متن این نسخه در سال ۳۴۸ هجری قمری در بصره در ورق کتابت شده بوده است. (زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۴۳).

این ویژگی نشان‌دهنده اهتمام وی به ثبت دقیق و مکتوب‌سازی علوم اهل بیت علیهم السلام در عصر حضور است. «در تبیین جایگاه علمی داوود، توجه به تمایز فنی میان "اصل" و "کتاب" / تصنیف" در اصطلاح‌شناسی محدثان متقدم ضروری است. "اصل" به مجموعه‌ای از احادیث اطلاق می‌شود که راوی، آن‌ها را مستقیماً از امام معصوم علیه السلام شنیده و بدون واسطه یا دخل و تصرف اجتهادی، مکتوب کرده است؛ در حالی که "کتاب" ممکن است مجموعه‌ای از روایات دست‌چین شده یا نقل شده از روی کتب دیگران باشد. به تعبیر دیگر، "اصول" به منزله‌ی "اسناد دست‌اول" (Primary Sources) و مواد خام حدیثی شیعه محسوب می‌شوند که از اعتبار و اتقان بیشتری نسبت به مصنفات بعدی برخوردارند. اینکه داوود بن سرحان و هم‌ردیفان او (نظیر ذریح و زید) در زمره "صاحبان اصول" طبقه‌بندی می‌شوند، نشانگر آن است که آنان در حلقه اول ثبت دانش قرار داشته‌اند و نقششان، تأسیس آرشین معتبر شیعه بوده است. این اصول چهارصدگانه (اصول اربعمأة) بعدها شالوده‌ی کتب اربعه شیعه را شکل دادند و اگر همت امثال داوود در نگارش بی‌درنگ شنیده‌ها نبود، احتمال تحریف یا فراموشی این میراث در گذر زمان و در کوران حوادث سیاسی بسیار بالا بود.»

د) مختصات شبکه ارتباطی و محتوایی داوود بن سرحان در کانون شبکه حدیثی اصحاب قرار داشته است. او غالباً آموزه‌ها را بدون واسطه از امام صادق علیه السلام دریافت و روایت می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۵۰؛ کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۱۰۹)، و در مواردی نیز از طریق بزرگان طراز اولی همچون «زراره» به نقل حدیث می‌پرداخت (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۵۴).

مرجعیت علمی او سبب شد تا چهره‌های برجسته «اصحاب اجماع» و فقهای نامدار، ناقل روایات او باشند. شخصیت‌هایی نظیر احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، حسن بن علی بن فضال، صفوان بن یحیی و محمد بن سنان از جمله راویانی هستند که میراث او را به نسل بعد منتقل کردند (خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۱۱؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۴۲۳).

از منظر محتوایی، روایات داوود بن سرحان متمرکز بر «فقه» و بیان دقیق احکام شریعت است. عمده منقولات او حوزه‌هایی نظیر نکاح، طلاق، حدود، دیات و تفسیر آیات الاحکام را پوشش می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۲۶۷؛ عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۸).

حجم قابل توجه روایات او که نامش را در اسناد بیش از صد مورد در کتب اربعه ثبت کرده است (خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۱۰)، مؤید این نکته است که وی یکی از مجاری اصلی جریان فقه شیعی در دوران گذار بوده است.

۲-۵. ذریح بن محمد محاربی؛ امین اسرار و حافظ میراث مکتوب

دومین شخصیت محوری که در این پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد، «ذریح بن محمد بن یزید محاربی» است؛ محدثی کوفی با کنیه «ابوالولید» که داده‌های تاریخی و حدیثی، او را به عنوان یکی از ارکان تثبیت مبانی کلامی و فقهی شیعه در دوران گذار از عصر امام صادق علیه السلام به عصر امام کاظم علیه السلام معرفی می‌کند.

۱-۲-۵. جایگاه رجالی و طبقه روایی

ذریح محاربی از تیره عرب‌های بنی محارب بود که توفیق شاگردی و روایت مستقیم از دو امام معصوم، یعنی امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام را در کارنامه خود دارد

(برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۴۴؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۳) در خصوص طبقه روایی او، اگرچه برخی پژوهشگران متأخر احتمال داده‌اند که وی از اصحاب امام باقر علیه السلام نیز بوده باشد، اما بررسی‌های دقیق سندی نشان می‌دهد که روایات منسوب به او از امام باقر علیه السلام غالباً مرسل یا دارای اضطراب سندی است (ابن بسطام، ۱۴۱۱ق، ص ۶۸) و او از نظر فنی، عمدتاً راوی مکتب امام صادق علیه السلام محسوب می‌شود (خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۵۷-۱۵۸).

۲-۲-۵. توثیق خاص و منزلت نزد امام علیه السلام

ویژگی متمایز ذریح محاربی در میان راویان، برخورداری از توثیق و تأیید مستقیم کلامی از سوی امام معصوم علیه السلام است. در روایتی صحیح، عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره تفسیری که ذریح از آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ارائه داده بود (تفسیر به دیدار با امام) سؤال می‌کند و امام علیه السلام با عباراتی صریح می‌فرماید: «صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقَتْ... وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا احْتَمَلَ ذَرِيحٌ؟» (راست گفت ذریح و راست گفتی تو... و چه کسی توان تحمل آنچه ذریح تحمل می‌کند را دارد؟) (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵۴۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۴-۴۸۶) این بیان امام، علاوه بر دلالت بر «صدق» و وثاقت خبری او، نشان‌دهنده ظرفیت بالای وجودی او در تحمل معارف دشوار و باطنی مکتب است. پیرو همین جایگاه، بزرگان علم نیز بر وثاقت او مهر تأیید زده‌اند؛ نجاشی و شیخ طوسی هر دو او را با صفت «ثقه» ستوده‌اند که نشانگر اجماع رجالی بر اعتبار اوست (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷).

ج) نقش در تدوین حدیث و تألیف «اصل» ذریح محاربی فراتر از نقل شفاهی، دارای کتابی تحت عنوان «اصل» بود که میراث مکتوب او به شمار می‌رود. اهمیت این اثر چنان بود که توسط استوانه‌های اصحاب اجماع همچون «ابن ابی عمیر» و «صفوان بن یحیی» روایت و به نسل‌های بعد منتقل شده است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷)

وجود این کتاب نشان می‌دهد که او در ثبت و ضبط دقیق احادیث اهتمام داشته و از پیشگامان تدوین میراث شیعه بوده است.

۳-۲-۵. گستره روایات (کلامی و فقهی)

بررسی محتوای روایات ذریح نشان می‌دهد که او حامل طیف متنوعی از معارف مکتب بوده است: ۱. در حوزه اعتقادات: او ناقل روایات بنیادین در باب امامت است؛ از جمله حدیث کلیدی: «زمین هرگز بدون امامی که حجت خدا بر بندگان باشد، باقی نمی‌ماند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۷۸؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۵) همچنین گزارش‌های رجالی حاکی از آن است که امام او را محرم اسرار می‌دانستند و اگر در مواردی او را از نقل برخی احادیث برحذر داشته‌اند، نه به جهت عدم وثاقت، بلکه برای حفظ اسرار مکتب از دسترسی افراد کم‌ظرفیت (سفله) و جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان بوده است (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۳۷۳؛ خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۵۸).

۴-۲-۵. در حوزه فقه

ذریح محاربی ناقل روایات دقیق فقهی در ابوابی همچون «حج» و «دیون» بوده است. نمونه بارز آن، روایت مشهور او در باب «مستثنیات دین» است مبنی بر اینکه «فرد نباید خانه مسکونی خود را برای پرداخت بدهی بفروشد» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۶، ص ۱۹۸) این تنوع روایی، جایگاه او را به عنوان یک راوی جامع‌الاطراف تثبیت می‌کند.

۳-۲-۵. زید شحام (ابواسامة)؛ فقیه اخلاق مدار و حلقه وصل سه امام

سومین ضلع از مثلث اصحاب ثقه‌ای که در این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرند، «زید بن محمد بن یونس کوفی» معروف به «زید شحام» است. کنیه او «ابواسامة» بوده و از معدود شخصیت‌هایی است که به عنوان حلقه وصل میان سه دوره امامت (امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام) شناخته می‌شود و در انتقال فرهنگ ناب جعفری نقشی محوری داشته است.

الف) جایگاه رجالی و طبقه روایی زید شحام از عرب‌های قبیله آزد و اهل کوفه بود. نجاشی در فهرست خود او را با عنوان «زید بن محمد بن یونس» معرفی کرده و تصریح می‌کند که وی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق،

ص ۱۲۵). اگرچه شیخ طوسی نام او را در شمار اصحاب هر دو امام ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۲ و ۱۹۵)، اما شواهد روایی در منابع متقدمی همچون «المحاسن» و «رجال کشی» نشان می‌دهد که او محضر امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده و از ایشان روایت نقل نموده است که نشانگر سابقه طولانی او در شاگردی مکتب اهل بیت است (برقی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۰؛ کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۴)

ب) توثیق عام و اعتبارسنجی در بررسی وضعیت وثاقت زید شحام، با اتفاق نظر رجالیان مواجه هستیم. شیخ طوسی او را با صفت «ثقه» توصیف کرده (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۹) و علامه حلی با تعبیر دقیق «ثقة عین» (بسیار مورد اعتماد و سرشناس) از او یاد کرده است که دلالت بر اوج اعتبار او دارد (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۸). ابن شهر آشوب نیز جایگاه او را فراتر از یک راوی عادی دانسته و وی را از «خواص» اصحاب امام صادق علیه السلام برشمرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۲۸۱)

ج) منزلت معنوی نزد امام علیه السلام رابطه زید شحام با امام صادق علیه السلام دارای عمق و صمیمیتی ویژه بود که فراتر از روابط معمول راوی و مروی عنه است. روایات متعددی حاکی از محبت و عنایت خاص امام به اوست. در روایتی صحیح، هنگامی که زید با نگرانی از امام می‌پرسد: «آیا نام من در میان "اصحاب الیمین" است؟»، امام با اطمینان پاسخ مثبت می‌دهند (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۶۲۸) در موردی دیگر، امام صادق علیه السلام خطاب به او می‌فرمایند: «ای زید، توبه را تجدید کن و به عبادت پرداز»؛ زید که گمان می‌کرد این سخن مقدمه خبر مرگ اوست، با توضیح محبت‌آمیز امام مواجه می‌شود که: «ما شما را از خودتان بیشتر دوست داریم... تو از شیعیان مایی و جایگاهت در بهشت است» (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۲۱۰) اوج این قرب معنوی در روایتی تصویر شده است که زید می‌گوید: «دست در دست امام صادق علیه السلام مشغول طواف کعبه بودم که اشک‌های حضرت جاری شد و برای آزادی برخی یاران زندانی دعا کردند» (کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۰).

د) میراث مکتوب و جایگاه در شبکه حدیثی زید شحام نیز مانند دیگر حافظان مکتب، دارای کتاب و «اصل» بوده است که نشان‌دهنده اهتمام او به ثبت دقیق میراث اهل بیت علیهم السلام و

جلوگیری از فراموشی آن است. این کتاب توسط شاگردان برجسته‌ای چون «صفوان بن یحیی» روایت شده است (نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۲۵). اعتماد شخصیت‌های طراز اولی مانند ابن ابی عمیر، صفوان و جمیل بن دراج به روایات او و اقدام به نقل کتابش، دلیل قاطعی بر مرجعیت علمی و روایی او در شبکه حدیثی شیعه است (اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴)

ه) گستره محتوایی روایات زید شحام ناقل بخش‌های مهمی از معارف شیعی در حوزه‌های اخلاق، کلام و مناسک بوده است: اخلاق و سبک زندگی: او راوی دستورالعمل مشهور امام صادق علیه السلام است که مانیفست اخلاقی شیعه محسوب می‌شود: «به هر کس از پیروان ما می‌بینی سلام برسان و بگو... با ورع و تلاش در عبادت باشید... مایه زینت ما باشید نه مایه ننگ (کونوا لنا زیناً)... تا مردم بگویند این ادب جعفر [بن محمد] است» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۳۶) «کلام و امامت: او در تثبیت پایه‌های اعتقادی، ناقل روایتی است که بر لزوم وجود حجت الهی تأکید دارد: «زمین اصلاح نمی‌شود مگر اینکه در آن امامی باشد» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۵). «مناسک و زیارات: او روایات بسیاری در باب فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام نقل کرده است؛ از جمله روایتی که زیارت عارفانه سیدالشهدا را معادل زیارت خداوند در عرش می‌داند (ابن قولویه، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۷) این حجم از روایات متنوع، زید شحام را به عنوان یکی از حاملان اصلی فرهنگ شیعی معرفی می‌کند.

۶. بسترشناسی تاریخی؛ مختصات سیاسی و فرهنگی عصر امام صادق علیه السلام

فهم دقیق جایگاه و کارکرد «ثقات اصحاب» بدون ترسیم فضای حاکم بر دوران امامت امام صادق علیه السلام میسر نیست. این دوران که حد فاصل سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری قمری را در بر می‌گیرد، به دلیل وقوع تحولات بنیادین سیاسی (سقوط امویان و برآمدن عباسیان) و فوران جریان‌های فکری گوناگون، از پیچیده‌ترین ادوار تاریخ اسلام محسوب می‌شود. در این بخش، مقتضیات این عصر در دو ساحت «سیاسی» و «علمی - فرهنگی» واکاوی می‌شود تا بستری که فعالیت شخصیت‌هایی چون داوود بن سرحان، ذریع محاربی و زید شحام را ضروری ساخت، تبیین گردد.

۱-۶. گذار قدرت و دوگانه‌ی «آزادی - اختناق»

دوران ۳۴ ساله‌ی امامت امام صادق علیه السلام، شامل ۱۸ سال هم‌زیستی با اواخر حکومت اموی و ۱۶ سال مواجهه با اوایل حکومت عباسی است (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۲). این تقارن زمانی با دوران انتقال قدرت، فضای سیاسی متناقضی را رقم زد که می‌توان آن را در دو مرحله متمایز بررسی کرد:

الف) دوران گشایش نسبی و خلأ قدرت (۱۱۴ تا ۱۳۶ق): در نیمه نخست امامت ایشان، بعد از سقوط هشام بن عبدالملک (سال ۱۲۵ هـ.ق) حکومت اموی به دلایلی همچون فساد در بیت‌المال، تعصبات نژادی علیه موالی و سرکوب خونین بنی‌هاشم رو به انحطاط نهاد (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۶). از سوی دیگر، عباسیان با شعار فریبنده‌ی «الرضا من آل محمد» و بهره‌گیری از ظرفیت نارضایتی عمومی، در حال سازماندهی قدرت بودند (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۸). حد فاصل تضعیف کامل امویان و استقرار نهایی عباسیان (به‌ویژه بین سال‌های ۱۲۹ تا ۱۳۲ق)، یک «دوران فترت» و آرامش موقت ایجاد شد. عدم تمرکز قدرت مرکزی در این بازه زمانی، فرصتی طلایی و بی‌نظیر - که برای هیچ‌یک از ائمه پیشین جز اندکی برای امام باقر علیه السلام فراهم نشده بود - در اختیار امام صادق علیه السلام قرار داد تا بدون مزاحمت‌های امنیتی معمول، به تأسیس دانشگاه بزرگ جعفری و تربیت کادر علمی بپردازند (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۳).

ب) دوران تثبیت عباسی و آغاز عصر اختناق (۱۳۶ تا ۱۴۸ق): با روی کار آمدن منصور دوانیقی در سال ۱۳۶ هجری، ورق برگشت و یکی از شدیدترین ادوار «انسداد سیاسی» و «نظارت امنیتی» آغاز شد. منصور که امام صادق علیه السلام را بزرگ‌ترین تهدید برای مشروعیت حکومت خود می‌دانست، سیاست «نظارت دائم» و «آزار سیستماتیک» را در پیش گرفت (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱) گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که منصور بارها امام را احضار و تهدید به قتل کرد و با تعبیری همچون «استخوانی در گلو» از ایشان یاد می‌کرد (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۳). شدت این اختناق در سال‌های پایانی عمر امام به حدی رسید که عملاً ارتباط شیعیان با امام قطع و مکتب در ظاهر به تعطیلی کشیده شد (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۵) در چنین شرایطی، اصحاب خاص، تنها مجرای تنفس شیعه محسوب می‌شدند.

۲-۶. مواجهه با بحران‌های داخلی و انحرافات عقیدتی

چالش‌های عصر امام صادق علیه السلام تنها محدود به فشار خارجی حکومت نبود؛ بلکه جامعه شیعه از درون نیز با بحران «نشست آراء» و ظهور «جریان‌های انحرافی» دست‌به‌گریبان بود.

۱. فتنه غلات و جعل حدیث: جریان غلو با طرح ادعاهای گزافی همچون الوهیت یا نبوت برای ائمه، سعی در مصادره جایگاه امامت داشت (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۰؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۸ش، ص ۶۸) خطرناک‌ترین اقدام این گروه، جعل گسترده حدیث و وارد کردن روایات ساختگی در میراث شیعه بود که تشخیص سره از ناسره را برای عوام دشوار می‌ساخت. امام علیه السلام ضمن لعن سران غلو و منع اکید شیعیان از معاشرت با آنان، راهبرد «عرضه احادیث بر قرآن» را به عنوان معیاری برای پالایش میراث روایی معرفی کردند (صفری فروشانی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۶۲ و ۳۳۳).

۲. رقابت‌های فقهی و کلامی: این عصر، دوره شکل‌گیری مکاتب بزرگ فقهی اهل سنت و ظهور نحله‌های کلامی همچون معتزله، مرجئه و زنادقه بود (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴) جامعه تشنه‌ی علم، نیازمند پاسخ‌های دقیق در برابر قیاس‌های فقهی (مانند مکتب ابوحنیفه) و شبهات اعتقادی بود. «این چالش در شهر "کوفه" - که محل سکونت شخصیت‌های مورد مطالعه این پژوهش بود - نمود بیشتری داشت؛ چراکه کوفه در آن روزگار پایتخت فقهی مکتب "اصحاب رأی" به شمار می‌رفت و فقهایی چون "ابن ابی‌لیلی" (قاضی کوفه) و "ابوحنیفه"، با سیطره بر فضای قضایی و علمی شهر، شیعیان را برای دست‌کشی از احادیث اهل بیت تحت فشار قرار می‌دادند.» امام صادق علیه السلام با استفاده از فضای تسامح نسبی موجود و محیط مذهبی آن روزگار، به مقابله علمی با این انحرافات برخاستند و ضمن تربیت ۴۰۰۰ شاگرد، مبانی کلامی و فقهی تشیع را در برابر هجمه این مکاتب استحکام بخشیدند (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰۱).

۳-۶. راهبرد امام: پرهیز از درگیری نظامی و تمرکز بر «ساختارسازی»

در برابر قیام‌های مسلحانه متعدد آن عصر (همچون قیام زید بن علی و نفس زکیه)، راهبرد کلان امام صادق علیه السلام «عدم مداخله مستقیم نظامی» و تمرکز بر «رهبری فکری و فرهنگی» بود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۶) اگرچه امام علیه السلام شخصیت زید را به عنوان

«عالمی راستگو» می‌ستودند (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰) اما با درک شرایط زمانه و پیش‌بینی شکست حرکت‌های نظامی بدون پشتوانه فرهنگی، شیعیان را از ورود به این درگیری‌ها باز می‌داشتند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷) «ایشان به جای جنگ سخت، به "سازماندهی شبکه ارتباطی" (Communication Network) روی آوردند و با اعزام نمایندگان و استفاده از چهره‌های وجیه‌المله نظیر زید شحام، پایه‌های نظام ارتباطی نوینی را بنا نهادند که زمینه را برای شکل‌گیری سازمان وکالت در ادوار بعد مهیا ساخت.» (رفیعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۸؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۰)

۴-۶. ضرورت ظهور «اصحاب ثقه» و «ارکان حافظ تراث»

برآیند شرایط فوق‌الذکر، یعنی «نوسان شدید سیاسی» (از آزادی مطلق تا خفقان مطلق)، «هجوم جریان‌های انحرافی غالی» و «ظهور مکاتب رقیب»، نیاز به وجود حلقه‌ای واسط و مطمئن را اجتناب‌ناپذیر ساخت. در دورانی که دسترسی به امام (به‌ویژه در دهه پایانی) دشوار بود و بازار جعل حدیث داغ، جامعه شیعه به شخصیت‌هایی نیاز داشت که سه ویژگی راهبردی داشته باشند:

۱. وثاقت علمی و فقهی: تا بتوانند در برابر مکاتب فقهی رقیب، فقه اصیل را تدوین و مکتوب کنند (نقشی که داوود بن سرحان ایفا کرد).

۲. ظرفیت رازداری و پایداری اعتقادی: تا در برابر فتنه‌های غلات نلغزند و اسرار مکتب را حفظ کنند (ویژگی بارز ذریح محاربی).

۳. شبکه‌سازی و سلامت اخلاقی: تا در عصر اختناق منصور، حلقه وصل عاطفی و اخلاقی میان امام و شیعیان باشند (نقشی که زید شحام بر عهده داشت).

۷. تحلیل کارکردی نقش ثقات در صیانت از مکتب؛ تطبیق بر عملکرد داوود، ذریح و زید

پس از تبیین جایگاه رجالی سه شخصیت مورد مطالعه (فصل سوم) و ترسیم مختصات بحرانی عصر امام صادق علیه السلام (فصل چهارم)، این فصل به هسته اصلی پژوهش می‌پردازد: «تطبیق عملکرد». داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که جامعه شیعه در آن روزگار با سه چالش کلان «رقابت فقهی با اهل سنت»، «انحرافات عقیدتی غالیان» و «فشار سیاسی

حکومت» مواجه بود. تحلیل رفتارشناسی داوود بن سرحان، ذریح محاربی و زید شحام نشان می‌دهد که هر یک از ایشان، به مثابه یک بازوی راهبردی، مأموریتِ مدیریتِ یکی از این جبهه‌ها را بر عهده داشته‌اند.

۱-۷. داوود بن سرحان و «تدوین نظام‌مند فقه» در برابر «آشفته‌گی حقوقی»

همان‌گونه که در بسترشناسی تاریخی اشاره شد، عصر صادقین علیهم‌السلام هم‌زمان با شکل‌گیری مکاتب فقهی اهل سنت و رواج روش‌هایی چون «قیاس» و «رأی» بود (رفیعی، علی، پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق علیه‌السلام، ص ۱۴) در این فضا، بزرگ‌ترین تهدید برای تشیع، «فراموشی سنت نبوی» یا «استحاله فقه شیعه در فقه عامه» بود.

الف) گذار از نقل شفاهی به میراث مکتوب (تألیف اصل): داوود بن سرحان با درک خطر نابودی احادیث در گذر زمان، از صرفِ روایتگری فراتر رفت و به «تألیف» روی آورد. گزارش نجاشی و شیخ طوسی مبنی بر اینکه وی «صاحب کتاب» بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۹؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۶) نشان می‌دهد که او در فرآیند «مکتوب‌سازی دانش» (The Codification of Knowledge) نقش کلیدی داشته است. اهمیت این اقدام زمانی آشکار می‌شود که بدانیم این کتاب تا قرن‌ها بعد به عنوان متنی درسی در محافل علمی بغداد تدریس می‌شده است (زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۴۳) این حرکت، پاسخی عملی به نیاز جامعه شیعه برای داشتن «متون مرجع» در برابر کتب فقهی سایر مذاهب بود.

ب) تمرکز بر ابواب کاربردی شریعت: بررسی آماری روایات داوود نشان می‌دهد که او تمرکز خود را بر «فقه تفصیلی» (مانند نکاح، طلاق، دیات) قرار داده است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۸۴) این رویکرد، خلأ ناشی از دسترسی دشوار به امام را پر کرد و با ارائه احکام دقیق و مستند، مانع از گرایش شیعیان به قیاس‌های ظنی شد. بنابراین، داوود بن سرحان را می‌توان «معمارِ حفظِ ساختارِ فقهی» مکتب دانست.

«مکانیسم تقابل داوود با جریان قیاس، تقابلی "ایجابی" بود نه صرفاً "سلبی"؛ بدین معنا که مروّجان قیاس (مانند پیروان ابوحنیفه در کوفه) غالباً با استناد به "کمود نصوص" در جزئیات، به رأی و قیاس روی می‌آوردند. داوود بن سرحان با تدوین دقیق و پرحجم روایات

در ریزترین مسائل حقوقی (Detailed Jurisprudence) - به ویژه در ابوابی که زمینه قیاس در آن‌ها فراهم بود - عملاً "موضوعیت" رجوع به قیاس را در میان شیعیان منتفی می‌ساخت و نشان می‌داد که در مکتب اهل بیت علیهم السلام، برای هر مسئله‌ای، نص خاص وجود دارد.»

۷-۲. ذریح محاربی و «مرزبانی عقیدتی» در برابر «فتنه غلات»

چالش دوم عصر امام صادق علیه السلام، ظهور جریان‌های باطنی‌گرا و غالی بود که با ادعای «محبت اهل بیت»، به تحریف عقاید و جعل حدیث می‌پرداختند (مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۶۰). در این آشفته‌بازار، تشخیص «راوی صادق» از «غالی دروغ‌پرداز» دشوار بود.

الف) شاخص «صدق» و معیار تشخیص: نقش کلیدی ذریح محاربی، ارائه یک الگوی «تعبد محض» در برابر «تأویلات غلات» بود. وقتی امام صادق علیه السلام با صراحت درباره او می‌فرمایند: «صَدَقَ ذَرِيحٌ...» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵۴۹). «در واقع او را به عنوان یک «تراز» (Benchmark) معرفی می‌کنند. در دورانی که غالیان روایات دروغین می‌ساختند، وجود شخصیتی که «تأییدیه تضمینی» امام را داشت، به شیعیان کمک می‌کرد تا عقاید صحیح را از کانال او دریافت کنند.

علاوه بر شاخصه صدق، "محتوای منقولات" ذریح نیز خود به مثابه پادزهری علیه جریان غلو عمل می‌کرد. یکی از ارکان انحرافی غلات (به ویژه جریان ابوالخطاب که هم‌عصر ایشان بود)، ترویج اندیشه "اباحی‌گری" و "سقوط تکالیف" بود؛ بدین معنا که مدعی بودند با شناخت امام، نیازی به انجام عبادات ظاهری مثل نماز و روزه نیست. در چنین اتمسفری، ذریح محاربی با نقل روایات متعدد و دقیق در باب "فرائض" و "مناسک" (نظیر روایات حج که بخش مهمی از میراث او را تشکیل می‌دهد) عملاً خط بطلانی بر ادعای ترک شریعت می‌کشید. وقتی راوی خاص و محرم اسراری چون ذریح، بر جزئیات انجام مناسک تأکید می‌ورزد، پیام غیرمستقیم اما روشنی به جامعه شیعه مخابره می‌شود: اینکه "باطن‌گرایی" و "ولایت"، جایگزین "شریعت" نیست، بلکه مکمل آن است. بنابراین، ذریح با ایجاد تعادل میان "معارف سیری" (در حوزه امام‌شناسی) و "پایندی فقهی" (در حوزه عمل)، الگوی صحیح "شیعه‌ی تراز" را ترسیم نمود که نه گرفتار جمود ظاهری است و نه در دام اباحی‌گری باطنی می‌افتد.

ب) امانت‌داری در انتقال معارفِ سِرّی: غلات با افشای بی‌مورد یا تحریف اسرار ائمه، ضربات امنیتی و عقیدتی سنگینی به شیعه می‌زدند. ذریح محاربی با ویژگی «ظرفیتِ تحمل» (من یحتمل ما احتمال ذریح؟) که مورد ستایش امام بود (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۶) توانست معارف عمیقِ مربوط به جایگاه امامت (مانند لزوم وجود حجت در زمین) را بدون آنکه در دام افراط بیفتد یا اسرار را فاش کند، به خواص شیعه منتقل نماید. او عملاً «حفره‌های نفوذ» جریان انحرافی را مسدود کرد.

۳-۷. زید شحام و «شبکه‌سازی اخلاقی» در عصر «اختناق سیاسی»

چالش سوم، فشار سنگین حکومت منصور دوانیقی بود که قصد داشت با قطع ارتباط شیعیان با امام، جامعه شیعه را متلاشی و منزوی کند (رفیعی، علی، پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق علیه السلام، ص ۵). در این شرایط، «زید شحام» نقشی فراتر از یک محدث ایفا کرد.

الف) مدیریت روانی و عاطفی جامعه شیعه: زید شحام حامل پیام‌های «محبت» و «اطمینان‌بخشی» امام به شیعیان بود. روایاتی که او نقل می‌کند، غالباً حاوی پیام‌هایی است که هویت جمعی شیعه را تقویت می‌کند؛ مانند اینکه «شما شیعیان مایید و جایگاهتان بهشت است» (کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۶۲۸). در فضای رعب و وحشتِ دوران منصور، این روایات کارکرد «تثبیت روحیه» و جلوگیری از فروپاشی اجتماعیِ پیروان اهل‌بیت را داشت.

ب) ترویج «دیپلماسی اخلاقی» (تقیه مداراتی): در حالی که حکومت مترصد بهانه‌ای برای سرکوب بود، زید شحام مأمور ابلاغ مانیفست «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» شد. روایت مشهور «کونوا لنا زیناً» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶) که توسط او نقل شده، راهبرد عبور سلامت از دوران اختناق بود. او با ترویج ورع، صداقت و امانت‌داری در میان شیعیان، به جای تقابل نظامی (که منجر به نابودی می‌شد)، «قدرت نرم» تشیع را در جامعه افزایش داد و باعث بقای مکتب در سخت‌ترین شرایط امنیتی شد. در تحلیل عملکرد زید شحام، تفکیک میان دو گونه از تقیه، یعنی «تقیه خوفی» و «تقیه مداراتی» (تحبیبی) راهگشاست. در حالی که تقیه خوفی ناظر به «استتار» و «پنهان‌کاری» برای حفظ جان است، تقیه مداراتی که زید مأمور به ترویج آن بود، رویکردی کاملاً «اجتماعی» و «فعالانه» دارد.

دستورالعمل «کونوا لنا زیناً» (زینت ما باشید) که زید آن را روایت می‌کند، دعوت به انزوا نیست؛ بلکه فراخوانی برای "حضور حداکثری" و "کیفی" در جامعه اهل سنت است. امام صادق علیه السلام از طریق شبکه ارتباطی زید، این راهبرد را تزریق می‌کردند که شیعیان باید امانت‌دارترین، راستگوترین و خوش‌خلق‌ترین افراد قبیله و بازار خود باشند تا از این طریق، "مرجعیت اجتماعی" پیدا کنند. این استراتژی هوشمندانه، سبب می‌شد که حتی در اوج خفقان سیاسی منصور، بدنه اجتماعی اهل سنت به دلیل اعتمادی که به رفتار شیعیان داشتند، عملاً به سپر حفاظتی آنان تبدیل شوند. زید شحام با نهادینه کردن این فرهنگ، شیعه را از یک "گروهک زیرزمینی امنیتی" به یک "اقلیت فرهیخته و مورد احترام" در جامعه کوفه ارتقا داد.

برآیند تحلیل فوق نشان می‌دهد که انتخاب و فعالیت این سه صحابی، تصادفی نبوده است. «داوود بن سرحان» با تثبیت متون فقهی، خطر استحاله حقوقی را دفع کرد؛ «ذریح محاربی» با پاسداری از مرزهای عقیدتی، خطر تحریف داخلی غلات را خنثی نمود؛ و «زید شحام» با تزریق امید و اخلاق، انسجام اجتماعی شیعه را در برابر فشارهای سیاسی حفظ کرد. این تقسیم کار هوشمندانه، مصداق بارز مکانیسم الهی حفظ دین توسط «ثقات» است.

نکته پایانی در تحلیل عملکرد این سه استوانه، توجه به هم‌افزایی شبکه‌ای (Network Synergy) میان آنان است. شواهد رجالی نشان می‌دهد که میراث هر سه نفر، نهایتاً در حلقه‌ی مشترکی از شاگردان برجسته (اصحاب اجماع) نظیر "صفوان بن یحیی"، "ابن ابی عمیر" و "ابن محبوب" به هم می‌رسد. این اشتراک در شاگردان و روایان بعدی، گویای آن است که داوود، ذریح و زید، جزایر جداگانه‌ای نبودند؛ بلکه اجزای یک "مدرسه واحد" در کوفه محسوب می‌شدند که علیرغم تفاوت در کارکردها (فقهی، کلامی، اخلاقی)، خروجی علمی آنان مکمل یکدیگر بود و در نهایت، پیکره‌ی واحدی از "تراث جعفری" را برای نسل‌های بعد (عصر غیبت) به یادگار گذاشتند.

۸. نتیجه‌گیری و دستاورد پژوهش

واکاوی تاریخی و رجالی در زیست‌محیط علمی و سیاسی عصر امام صادق علیه السلام و مطالعه موردی عملکرد سه تن از استوانه‌های این عصر (داوود بن سرحان، ذریح محاربی و زید

شحام)، نشان می‌دهد که در عصر صادقین علیهم‌السلام، به دلیل پیچیدگی‌های پدیدآمده نظیر ظهور مکاتب فقهی رقیب و بحران غلو، وظیفه اصحاب از «نقل صرف حدیث» فراتر رفت. امام صادق علیه‌السلام برای عبور دادن تشیع از این پیچ تاریخی، به جای تکیه بر عموم شاگردان، بر تربیت و توثیق گروهی نخبه موسوم به ثقات تمرکز کردند که این افراد نه تنها «حافظان متن»، بلکه «ارکان تثبیت مکتب» بودند.

تحلیل داده‌های این پژوهش اثبات می‌کند که انتخاب داوود، ذریح و زید، انتخابی تصادفی نبوده و هر یک قطعه‌ای از یک «پازل حفاظتی» را تکمیل کرده‌اند؛ بدین ترتیب که داوود بن سرحان به عنوان قطب فقاہت، با تدوین «اصل» و تمرکز بر فقه تفصیلی، در برابر خطر «استحاله حقوقی» و حل شدن فقه شیعه در قیاس‌های اهل سنت ایستادگی کرد و زیرساخت «نظام حقوقی شیعه» را مستحکم ساخت. هم‌زمان، ذریح محاربی به عنوان قطب عقیدتی و با ویژگی رازداری و ظرفیت بالای معرفتی، در برابر خطر «انحراف داخلی» و جریان‌های غالی که قصد تهی کردن تشیع از محتوا را داشتند، به عنوان معیار «صدق» و مرزبان «اسرار» عمل کرد. در ضلع سوم، زید شحام به عنوان قطب اجتماعی - اخلاقی، با ترویج اخلاق مداراتی و تقویت پیوند عاطفی میان امام و شیعیان، در برابر خطر «فروپاشی اجتماعی» ناشی از اختناق منصور دوانیقی مقاومت کرد و هویت جمعی شیعه را حفظ نمود.

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای این سه شخصیت، نقش‌آفرینی در انتقال میراث شیعه از مرحله «شفاهی» به مرحله «مکتوب» و تدوین اصول بود. این اقدام راهبردی که توسط داوود و ذریح پیگیری شد، سبب گردید میراث علمی امام صادق علیه‌السلام از گزند حوادث و فترت‌های بعدی مانند عصر غیبت مصون بماند.

در نهایت می‌توان گفت که «ثقات اصحاب» در عصر امام صادق علیه‌السلام، نقش یک «حصار امنیتی و معرفتی» را ایفا کردند. این حصار، از یک سو مانع نفوذ بدعت‌ها به درون مکتب شد و از سوی دیگر، از خروج و هدررفت معارف ناب جلوگیری کرد. بدین‌سان، بقای تشیع دوازده‌امامی و رسیدن این میراث به دست نسل‌های بعد، مرهون مجاهدت علمی و تعهد ایمانی این حلقه از یاران است که فراتر از نام و نشان، «هویت» مکتب را بیمه کردند.

منابع

۱. ابن بسطام، حسین و عبدالله (۱۴۱۱ ق)، طب الائمة، قم: الشریف الرضی.
۲. ابن داوود حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲ ش)، الرجال (تصحیح: سید جلال الدین حسینی محدث)، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف: المطبعة الحیدریه.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۴۱۷ ق)، کامل الزیارات (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی)، قم: نشر الفقاهه.
۵. اردبیلی، محمد بن علی (بی تا)، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، (بی جا): مکتبة المحمدی.
۶. استرآبادی نجفی، شرف الدین علی (۱۴۰۷ ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (تصحیح: سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی)، قم: جامعه مدرسین.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ ش)، المحاسن (ج ۱)، (تصحیح: سید جلال الدین حسینی محدث)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ ش)، رجال البرقی (در مجموعه الرجال ابن داوود) (تصحیح: سید جلال الدین حسینی محدث)، تهران: دانشگاه تهران.
۹. تستری، محمد تقی (۱۴۱۲ ق)، قاموس الرجال، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. تفرشی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق)، نقد الرجال، قم: آل البیت.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق)، ایضاح الاشتباه (تصحیح: محمد حسون)، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ ق)، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی)، قم: نشر الفقاهه.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳ ق)، معجم رجال الحديث، بیروت: (بی نا).
۱۴. رفیعی، علی (۱۳۸۴ ش)، پرتوی از رخدادهای عصر امام صادق (ع)، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی ذکر.
۱۵. زراری، ابو غالب (۱۳۹۹ ق)، رساله فی آل اعین (تصحیح: سید محمد علی موسوی موحد ابطحی اصفهانی)، (بی جا): مطبعة ربانی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه (تصحیح: علی اکبر غفاری)، قم: جامعه مدرسین.

۱۷. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمد (ص) (تصحیح: محسن کوچه‌باغی)، تهران: اعلمی.
۱۸. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۸ ش)، غالیان؛ کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۳ ش)، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار (تصحیح: سید حسن موسوی خراسان)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۵ ق)، الرجال (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی)، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ ق)، الفهرست (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی)، قم: نشر الفقه.
۲۲. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۴ ش)، تهذیب الاحکام (تصحیح: سید حسن موسوی خراسان)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. عیاشی، محمدبن مسعود (بی‌تا)، تفسیر العیاشی (تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی)، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۴. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی (تصحیح: محمد کاظم)، تهران: وزارت ارشاد.
۲۵. کشی، محمدبن عمر (۱۳۴۸ ش)، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی) (تصحیح: حسن مصطفوی)، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ ق)، الکافی (تصحیح: علی‌اکبر غفاری)، بیروت: دارالاضواء.
۲۷. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶ ش)، مکتب در فرآیند تکامل (مترجم: هاشم ایزدپناه)، تهران: انتشارات کویر.
۲۸. مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۱۴ ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار (تصحیح: سید محمد حسینی جلالی)، قم: جامعه مدرسین.
۲۹. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۶ ق)، فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی) (تصحیح: سید موسی شبیری زنجانی)، قم: جامعه مدرسین.
۳۰. نوری، حسین (۱۴۱۶ ق)، خاتمه مستدرک الوسائل، قم: آل‌البيت.